

افزایش بهای نفت، قیمت گاز طبیعی آسیا رانیز بالا برد



پس از افزایش قیمت نفت،بهای گاز مایع طبیعی (ال ان جی) نیز بالا رفته است.این افزایش قیمت ها پس از بالا رفتن تقاضا برای گاز مایع طبیعی در آسیا و تمایل چین برای جایگزینی این منبع طبیعی به جای زغال سنگ بوده است.

طبق گزارش منتشر شده در سی ان بی سی، متخصصان بر این باورند که اگر چین که دومین وارد کننده بزرگ گاز مایع طبیعی است،بر صادرات این منبع طبیعی از ایالات متحده تعرفه های مالیاتی اعمال کند،در کوتاه مدت باعث ضربه به بازار و خریداران چینی خواهد شد؛ اما از طرفی این کار می تواند زنجیره های تامین منابع طبیعی را در آسیا تغییر داده و باعث بهره وری بیشتر دیگر تولید کنندگان شود.

افزایش بهای گاز طبیعی

راجیو بیسوا، اقتصاددان ارشد آسیا-اقیانوسیه در مصاحبه با سی ان بی سی گفت:بهای گاز طبیعی آسیا پس از بالا رفتن قیمت نفت خام افزایش یافت زیرا بیشتر قرار دادهای بلند مدت گاز مایع با قیمت نفت در ارتباط است.

وی افزود:افزایش قیمت جهانی نفت در هفته های اخیر و اعمال تحریم های آمریکا علیه صادرات نفت ایران در ماه نوامبر (آبان)، باعث شده است تا فشار بیشتری بر قیمت قرار دادی گاز مایع طبیعی وارد شود.میانگین قیمت گاز وارداتی چین در سه ماهه دوم سال جاری ۲۳ درصد افزایش یافته است این در حالی است که این نرخ برای ژاين ۱۷ در صد بوده است.به پیش بینی برخی تحلیلگران، پس از اعمال تحریم های آمریکا علیه نفت ایران در ماه آينده، قیمت نفت به ۹۰ دلار در هر بشکه خواهد رسید.روز سه شنبه هر بشکه نفت خام برنت به قیمت ۸۱،۰۴ دلار در هر بشکه و نفت خام ایالات متحده به قیمت ۷۱،۸۴ دلار در هر بشکه معامله شد که نزدیک به ۱۲ درصد نسبت به اوایل سال جاری افزایش داشته است.

به عقیده نیکولاس بروان مدیر پژوهشکده گاز و گاز مایع طبیعی وود مکنزی، عرضه گاز مایع استرالیا- یکی از بزرگترین صادر کنندگان گاز مایع طبیعی- همزمان با تقاضا داخلی برای داشتن سهمی از این گاز تحت فشار قرار خواهد گرفت.این وضعیت تا سال ۲۰۲۸ باقی خواهد ماند.به نوشته سی ان بی سی، بخش عظیمی از افزایش تقاضای آسیا از سمت چین است زیرا این کشور در تلاش است تا گاز مایع را جایگزین زغال سنگ کند. بر اساس گزارش چین بین سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ در حدود ۱۵۰ درصد افزایش داشته است.این میزان تقریباً نیمی از رشد تقاضای جهانی را تشکیل می دهد.انتظار می رود که چین تا زمستان آينده، باز هم افزایش تقاضا داشته باشد.اما به گفته تحلیلگران همین پژوهشکده،پیش بینی هاشان می دهد که تا سال ۲۰۲۸ استرالیا منابع گاز کافی برای پاسخ گویی به تقاضاهار نخواهد داشت.در این صورت باید انواع گاز های بیشتری تولید شده یا وارد شود تا بتواند پاسخ گوی نیازهای داخلی و قرار داد های خارجی باشد.با این حال هنوز منابع آسان و مقرر نه به صرفه برای عرضه در بازار موجود نیست.

به گفته بران:این موضوع می تواند به خریداران اصلی گاز مایع طبیعی استرالیا- جمله شرکت سئین اوپک چین و پترولئاس مالزی آسیب برساند.

تاثیر تعرفه های مالیاتی چین

ایالات متحده آمریکا در حال تبدیل شدن به یکی از صادر کنندگان اصلی گاز طبیعی مایع است و ۱۵ درصد از صادرات سال گذشته این کشور به چین بوده است.

به گفته تحلیلگران، جنگ تجاری مداوم بین واشنگتن و پکن می تواند به تامین گاز مایع طبیعی از ایالات متحده ضربه بزند.هوگو برنان تحلیلگر ارشد آسیا در موسسه وریسک مپلکرافت می گوید: اگر این دوا بر قدرت اقتصادی دنیا به توافق تجاری دست نیابند، تعرفه های ۱۰ درصدی فعلی، تا سال ۲۰۱۹ تا ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.این موضوع احتمالاً تأثیری در قیمت ها و زنجیره های عرضه در آسیا خواهد داشت.

به عقیده برنان، تازمانی که تنش های تجاری با آمریکا با بر جاست، انتظار می رود که چین گاز مایع طبیعی مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر همچون قطر، استرالیا و کینه نه تامین کند؛ به تدریج روسیه نیز به یکی از همین منابع اصلی تبدیل خواهد شد.

توماس فریدمن در نیویورک تایمز بررسی کرد

حذف بن سلمان و ادامه اصلاح عربستان



سید محمد میرزا محمد زاده

توماس فریدمن، ستون نویس روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در تحلیل رفتارهای اخیر در مورد قتل جمال خاشقجی، روزنامه نگار منتقد سعودی، نوشت: من در مورد ماجرای خاشقجی ۳ نکته دارم. اول آنکه نمی توان تصور کرد، فردی که صرفاً خواستار اصلاح شفاف و کامل تر دولت کشورش است، به سادگی در خفای کنسولگری سعودی در استانبول، از سوی تیم ضربت سعودی که بر اساس گزارش ها مجهز به ا ره برای بریدن استخوان بودند، به قتل برسد. شرارت و ذلت نهفته در این اقدام، منجر کننده است.

دوم آنکه نمی توان ذره ای باور کرد که چنین جنایتی یک اقدام خودسرانه باشد و محمد بن سلمان، حاکم قاطع عربستان سعودی، کسی که در همه موضوعات دستی دارد، از این جریان اطلاع قبلی نداشته باشد، اگر بیشتر از دیگران نداند. ضمن اینکه من نه به عنوان یک خبرنگار بلکه به عنوان یک شهروند آمریکا، وقتی می بینیم رئیس جمهور و وزیر امور خار جه کشورم با مقامات سعودی برای لا پوشانی این ماجرا همکاری می کنند، احساس بدی پیدامی کنم. تبعات بلند مدت این اقدام برای هر خبرنگار یا منتقد سیاسی مورد تبعید، دلسرد کننده است. با این وجود فکر نمی کنم که مقامات آمریکا بتوانند به راحتی با چنین موضعی قسر در بروند.

بر این اساس به نقطه نظر سوم می رسم: آمریکا چطور باید منافع و ارزش های مردم کشورش را پیش ببرد؟ از نظر من، بهترین راه برای پاسخ دادن به این سوال نگاه به مبانی

است. همیشه می دانستم اقدامات اصلاح گرانه محمد بن سلمان دست نیافتنی است، اما همواره به دنبال چنین موفقیتی بودم و در همین حال به یک دلیل خاص، همواره به دولت ترامپ هشدار می دادم که خط قرمزهایی برای بخش های تاریک شخصیت بن سلمان ترسیم کند. من باشخصیت محمد بن سلمان مشکلی ندارم. به شخصه اهمیتی نمی دهم که بن سلمان عربستان را رهبری کند یا هر کسی دیگر...

باید تعریف خودم از مهم ترین منافع ملی مردم آمریکا در عربستان سعودی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر را تشریح کنم. این منافع نه نفت است، نه فروش سلاح یا حتی ایستادگی در مقابل ایران. در واقع تعریف من از منافع ملی مردم آمریکا در عربستان، اصلاح مذهب اسلامی است که صرفاً می تواند از عربستان سعودی به عنوان خانه مقدس ترین شهرهای مکه و مدینه، شروع شود. به صورت کاملاً اتفاقی اولین کار من به عنوان خبرنگار خارجی، در سال ۱۹۷۹ در بيروت آغاز شد. اولین گزارش های برجسته ام دو گزارش، اولی مربوط به انقلاب ایران و دومی تصرف مسجد جامع مکه از سوی یک اصولگرای تندرو سعودی بود؛ واعظی افراطی که مدعی بود اعضای خانواده آل سعود فاسد، زنا به و غریگرا هستند.

تصرف مکه موجب ترس خانواده حاکم سعودی شد. بر همین اساس در سال ۱۹۷۹ میلادی (۱۳۵۷) برای تثبیت اعتبار مذهبی و دفاع از خود، دست به اقدامات مذهبی اصولگرایانه زد و به روحانیون خود اجازه داد، مراقبت های مذهبی سخت تری را در جامعه اعمال کنند و صادرات مذهب خشک سلفی را فرای مرزهای اسلام توسعه دهند.

این کار با پول های نفت گران تر با ساخت مسجد و مدرسه در لبنان گرفته تا اندونزی و از مرکش تا کابل صورت گرفت. چنین رویکردی تأثیر منفی بر تحصیل، حقوق زنان و آزادی سیاسی در جهان اسلام عرب گذاشت و از کنار آن افراطی ترین نسخه مذهب اسلام، یعنی سلفی جهادگرا منشعب شد که عاملان حادثه ۱۱ سپتامبر و داعش از آن نشأت گرفته اند.

به عقیده من حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱) تخریب برج های دوقلوی آمریکا) بدترین اتفاقی بود که در طول عمر من برای آمریکا روی داد. ما می توانیم از همه حملات آمریکا، حمله به افغانستان، عراق، جنگ جهانی علیه تروریسم، وزارت امنیت داخلی به عنوان واکنش صحیح، دفاع کنیم اما نمی توان بهای این حملات را نادیده بگیریم. جان هزاران نفر و ۲ تریلیون دلار سرمایه را در این جنگ ها برای خنثی کردن تهدیدات مسلمانان افراطی از القاعده گرفته تا داعش، به باد دادیم؛ دلارهایی که می توانست در جای بهتری برای نیازهای جامعه آمریکا به کار گرفته شوند.

از نظر نگارنده، ریشه حادثه ۱۱ سپتامبر از دل دو معامله وحشتناک بیرون آمده است. اولی معامله بین خانواده حاکم سعودی و پایگاه مذهبی عربستان است، جایی که طرفین با یکدیگر جور هستند. توافق دیگر، توافق خودخواهانه آمریکا با سعودی ها است. توافقی با این مضمون: هی دوستان! نفت بیشتر بیرون بکشید، قیمت ها را پایین نگه دارید و با صهیونیست ها زیاد سرو کله زنید و در ازای آن هر کار دلتان می خواهد بکنید. هر موعظه تنفر برانگیزی که می خواهید در

نمی توان ذره ای باور کرد که چنین جنایتی یک اقدام خودسرانه باشد و محمد بن سلمان، حاکم قاطع عربستان سعودی، کسی که در همه موضوعات دستی دارد، از این جریان اطلاع قبلی نداشته باشد، اگر بیشتر از دیگران نداند

مساجدتان فریاد بزنید و با زنان هر طور که تمایل دارید، رفتار کنید. در حادثه ۱۱ سپتامبر ما ضربه چیزی را خوردیم که در جهان جاری بود. به همین دلیل از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر در این ستون، همواره رهبران سعودی به دلیل عدم اصلاح نسخه اسلامی شان که لازمه آن مدرنیزه کردن جامعه و اقتصاد نیز هست، مورد انتقاد قرار داده ام. مذهبیهون افراطی شاید دستگیر شوند، اما رهبران سعودی هیچ وقت خود را در گیر جنگ افکار عمومی نمی کنند.

چیزی که در مورد محمد بن سلمان چشم را گرفت و من را بسیار امیدوار کرد، اشتیاق موقت او برای در گیر شدن در جنگ ایده ها علیه تندروهای مذهبی کشورش و اظهار آن به صورت عمومی بود. او کاملاً عیان اظهار کرد که اسلام ناب، تحمل عقاید دیگران و توانمندسازی زنان و روی گشاده نسبت به ایده های جدید است و گفت: ننویسید که ما در حال تفسیر جدید اسلام هستیم، بلکه مادر حال بازگرداندن اسلام به اصلش هستیم.

به نظر می رسید که بن سلمان هدف جایگزینی افراد ملی گرای سکولار سعودی را به جای اصولگرایان اسلام سعودی و

روحانیونش به عنوان منابع دست اول مشروعیت رژیم در سر دارد، کسی که به به طور قطع عقاید ضدایرانی و ضدقطری داشته باشد. شاید همه این ایده ها صحنه سازی بن سلمان برای جذب حمایت غرب بود. اما بسیاری از سعودی های جوان که من با آنها صحبت کردم، فکر می کردند که این ایده ها واقعی است و به آن ابراز تمایل می کردند. عربستان سعودی که به دلیل صادرات سمی ترین گروه های اسلام گرای جهادی که آمریکا و کل دنیا را متأثر کرد، مورد سوال بود، حالا با محمد بن سلمان در حال انجام کاری بود که واقعا امیدوار کننده به نظر می رسید.

دنیس راس، کهنه سرباز آمریکایی و رایزن آمریکا در خاورمیانه، در مقاله ای که اخیراً برای واشنگتن پست نوشته بود، عنوان کرد: انتصاب محمد العیسی به عنوان رئیس سازمان مردم نهاد لیگ جهانی اسلام، از سوی محمد بن سلمان، در واقع پیامی قوی در رد دیدگاه های رادیکال آموزه های اسلامی است. بازدید او از موزه هولوکاست آمریکا، تعهد او برای مذاکرات تقریب عقاید و خواست او برای صلح در واقع حاکی از استقلال وی از پیشینیانش است.

اما حالا خون جمال بر دستان محمد بن سلمان است. آیا ما هم باید همچون ترامپ این موضوع را نادیده بگیریم؟ البته که نه و در واقع نباید نادیده بگیریم.

به عقیده من تفکرات امیدوار کننده بن سلمان، هر چقدر که از دید دیگران تاکنون در زمینه اجتماعی، اقتصادی یا مذهبی محقق شده باشد، دیگر تمام شده اند. او بدون عذر خواهی قابل رجاع و مستقل، به دلیل ناپایدی یا قتل احتمالی جمال، خود را آلوده کرده است. شاید بن سلمان بتواند در عربستان در قدرت بماند، اما کل برنامه اصلاحی او نیازمند سرمایه گذاری مستقیم خارجی است و در چند ماه گذشته نه تنها پولی به عربستان تزریق نشده، بلکه از آن خارج نیز شده است و این اوضاع را بدتر می کند.

البته هر چند که من عواقب حادثه کشتار میدان تیان آنمن را در چین پوشش خبری دادم و می دانم که حافظه تاریخی اقتصاد ضعیف است، اما عربستان سعودی، چین نیست. حماقتی بسیار بیشتر از تصور در دولت بن سلمان نهفته است که نمی گذارد امروز سرمایه گذاران متعددی را در بلند مدت جذب کند و این موضوع بسیار ناامید کننده است و هر گونه امیدی برای اصلاح در آینده را نابود می کند.

موضوع از جنبه دیگر پیچیده تر

حتی اگر بن سلمان به

زیر کشیده شود، اگر

می اندیشید کسی می تواند

به مقابله با ۱۰۰ عضو برک و

بی شرم سعودی علیه فشار

بر رانندگی زنان پیر دازد و

پلیس اسلامی را از خیابان

جمع کند و سینماها را

دوباره باز کند، در اشتباه

هستید

می شود. حتی اگر محمد بن سلمان به زیر کشیده شود، اگر فکر می کنید کسی می تواند به مقابله با ۱۰۰ عضو زیرک و بی شرم سلطنت سعودی علیه فشار بر رانندگی زنان پیر دازد و پلیس اسلامی را از خیابان جمع کند و سینماها را دوباره باز کند، در اشتباه هستید. چنین کسی وجود ندارد، همه این اصلاحات با مخالفت شدید رهبران سنتی مواجه بود. اینجا دانمارک نیست و بدون جامعه باز و اصلاحات اقتصادی و مذهبی، عربستان سعودی به راحتی می تواند یک دولت شکست خورده باشد. به یاد داشته باشید که عربستان سعودی یکی از مبدأهای اعضای جوان داعش بود.

و اگر شما می دانستید که شاهزاده بن سلمان ابعاد شخصیتی تاریک داشت، باید ریشه های آن را درون سلطنت سعودی جستجو کنید. آنجا افرادی را با ریش های بلند می یابید که با زبان انگلیسی آشنایی ندارند و آشفته ترین افکار را علیه شیعیان، یهودیان، مسیحیان، هندوها، آمریکایی ها و کلا غرب در سر دارند و باور کنید همین حالا در حال تحسین جریان قتل جمال هستند.

خب حالا آمریکا چه کار می کند؟ من جواب واضحی برای این سوال ندارم. وضعیتی آشفته است. من تنها می دانم که ما باید محمد بن سلمان را برای این اتفاق محکوم کنیم بدون آنکه با حمله به همه مردم سعودی، منطقه را ناپایدار کنیم. همچنین باید از ادامه روند اصلاحات اجتماعی /مذهبی در عربستان سعودی مطمئن شویم. فرق نمی کند که چه کسی در آنجا به قدرت برسد، چنین اصلاحاتی به منافع ملی آمریکا مرتبط است.

اما نمی توان حماقت را اصلاح کرد و وقتی یکی از متحدان ما نمایشی احمقانه همچون کاری که سعودی ها ظاهراً در استانبول انجام داده اند، به اجرا می گذارد، هیچ راهکار ساده ای برای اصلاح آن نیست. اما ممکن است ترامپ با انتخاب سفیر برای عربستان این کار را انجام دهد، کاری که قبلاً انجام نداده بود.



خانواده باشد و همین مسأله باعث شده خالد بن سلمان، سفیر عربستان در واشنگتن و برادر کوچکتر محمد بن سلمان که اخیراً در پی پرونده خاشقجی به ریاض فراخوانده شده، جایگزین احتمالی باشد.

را به خطر بیندازد.

این روزنامه نوشت: اگر ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان تصمیم بگیرد ولیعهد را قربانی کند احتمالاً ترجیح خواهد داد که این پست همچنان متعلق به این

سفیر عربستان در واشنگتن جایگزین احتمالی محمد بن سلمان است

گذاشت و توانست برای دستور کار اصلاحی خود به حمایت دست یابد. اما با افزایش خشم و فشارها درباره ربوده شدن جمال خاشقجی، روزنامه نگار منتقد عربستانی در کنسولگری عربستان در استانبول و تردید واشنگتن درباره اینکه احتمالاً بن سلمان دستور قتل وی را داده است، صحبت کردن

درباره بررسی ایجاد جایگزینی برای بن سلمان نسبت به اجرای آن آسانتر است چرا که بدترین سناریویی که ممکن است آمریکایی ها یا انگلیسی ها در این باره تصور کنند این است که این مسأله ثبات عربستان

حلقه نجاتی برای آمریکا و انگلیس بود و در طول چندین دهه این کشورها ائتلافشان با عربستان را به عنوان پایه و اساس استراتژی امنیتی و خارجی خود به دلیل نفت و ایران از یکسو و از سوی دیگر تبدیل شدن عربستان به یک جزیره با ثبات و حامی غرب در سایه تنش های منطقه حفظ کرده اند.

این روزنامه نوشت: مردم این کشور و مخالفان در غرب با این ائتلاف به دلیل سیاست های عربستان در قبال زنان و آزادی ها مخالف بودند، برای همین بن سلمان برای تغییر این مسائل پا به عرصه

روزنامه تایمز انگلیس در مقاله ای نوشت که سفیر عربستان در واشنگتن احتمالاً فردی است که در صورت برکناری محمد بن سلمان جایگزین وی به عنوان ولیعهد عربستان خواهد شد.

به گزارش اسپنا، روزنامه تایمز انگلیس در مقاله ای با عنوان چه کسی جانشین محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان می شود نوشت: اصطلاح تغییر نظام از زمان مداخله آمریکا در عراق و شکست ها در لیبی و سوریه مخدوش شده است.

روی کار آمدن محمد بن سلمان به مثابه